

## جامعه‌شناسی تاریخی نظام خانواده در ایل قشقایی

اعظم رحیمی جابری\*

### چکیده

نظام عشایری قشقایی دارای تاریخی کهن است که در جهت شرایط زندگی کوچ‌نشینی شکل گرفته است. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماع و هسته اصلی ایل است که نظام طبقاتی حاکم بر آن در امر ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کند. مرد دارای اقتدار و تصمیم‌گیرنده نهایی است و زن نیز در عین تابعیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت امور خانواده دارد. خانواده به‌ظاهر مستقل، اما نفوذ گروه‌های خویشاوند در ابعاد و جنبه‌های گوناگون آن کاملاً مشهود است. در این پژوهش، سعی شده است با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، نهاد خانواده در ایل قشقایی از منظر تاریخی بررسی شود. این مطالعه نشان می‌دهد در ایل قشقایی خانواده از لحاظ ساختاری گسترده، تک‌همسر، پدرسالار، و درون‌همسر (ازدواج درون‌گروهی) است.

**کلیدواژه‌ها:** ایل قشقایی، کارکردهای خانواده، ازدواج، خویشاوندی، زن.

### ۱. مقدمه

نهاد خانواده در نزد ایل قشقایی اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و هسته اصلی جامعه ایلی را تشکیل می‌دهد که در بقا و ادامه حیات این جامعه اهمیت و نقش بسزایی دارد. خانواده به‌ظاهر مستقل است، اما تحت تسلط واحد وسیع‌تری مانند بنکو، تیره، و طایفه قرار دارد. افزون بر این، آداب و رسوم در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد که این آداب و رسوم، فرهنگ، و تمدن ایل ارتباطی تنگاتنگ با نظام خانوادگی آن‌ها دارد. بنابراین بررسی جامعه‌شناسی خانواده در ایل قشقایی کوچ‌نشین، به سبب اطلاعاتی که به دست می‌دهد،

\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شیراز rahemejabere@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱

می‌تواند در حوزه تحقیقات تاریخ اجتماعی بسیار مفید باشد و با مطالعه این نوشته‌ها می‌توان به الگوهای زندگی عشایر کوچ‌نشین و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر پی برد. خانواده واحدی چندساختی است. بدین معنا که از ابعاد اقتصادی، روانی، حقوقی، و جامعه‌شناختی برخوردار است. در این پژوهش بعد جامعه‌شناختی خانواده ایل قشقایی از منظر تاریخی و مرتبط با زمانی که زندگی چادرنشینی داشته‌اند بررسی شده است و مباحث اصلی آن، اهمیت نظام خانواده و فلسفه تشکیل آن، ازدواج، که نخستین گام در تشکیل خانواده است، و مسائل مربوط به آن از جمله معیارهای انتخاب همسر، سن ازدواج و شیربها، انواع ازدواج و ابعاد اجتماعی آن و هم‌چنین کارکردهای خانواده، خانواده و انواع آن، روابط خانوادگی و خویشاوندی، ارث، نقش زنان، و مسئله طلاق است.

در این تحقیق سؤالاتی به این شرح مطرح است: عوامل مؤثر در تشکیل خانواده چه بوده است؟ ویژگی همسر ایده‌آل در نزد مردم قشقایی چیست؟ افراد در خانواده از چه حقوقی برخوردارند و یا ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر چگونه است؟ ابعاد اجتماعی ازدواج چیست؟ موقعیت زنان ایل چگونه است؟

تاکنون تحقیقی مستقل و جامع درباره جامعه‌شناسی تاریخی خانواده در ایل قشقایی انجام نشده است. با این حال تحقیقات ارزنده درخور توجهی درباره ایل قشقایی به طور کلی نوشته شده است که از لابه‌لای مطالب آن‌ها می‌توان اطلاعاتی درباره این ایل به دست آورد. از پژوهش‌های انجام‌شده در این باره باید از کتاب *کوچ‌نشینان قشقایی فارس* اثر پی‌یر اوبرلینگ (Oberling)، و نیز کتاب *عشایر جنوب نوشته میخائیل سرگی یویچ ایوانف (Ivanov)* نام برد. اگر چه در این کتاب‌ها بیش‌تر به تحولات تاریخ سیاسی ایلخانی قشقایی پرداخته شده است، اما اطلاعات اجتماعی خوبی هم از آن‌ها به دست می‌آید.

این پژوهش از نوع تحلیلی - تاریخی است که با استفاده از روش‌های مطالعه کتاب‌خانه‌ای و نیز مطالعه میدانی انجام شده است.

## ۲. جامعه‌شناسی خانواده

جامعه‌شناسی خانواده به مطالعه نهادهای خانواده و خویشاوندی، ازدواج، بررسی تاریخ تکوین تحول آن‌ها، کشف و بیان قانونمندی‌های حاکم بر حرکت و دگرگونی‌های نهادهای مذکور در طول تاریخ (تقوی، ۱۳۷۹: ۲-۳)، روابط درون خانواده (اعم از روابط بین والدین و فرزندان)، روابط میان خانواده و جامعه، نقش خانواده در نظارت اجتماعی، قدرت اجتماعی، و سرنوشت اجتماعی توجه دارد (سگالن، ۱۳۷۷: ۳۱۶؛ منادی، ۱۳۸۵: ۳۴).

### ۳. تاریخ ایل قشقایی

مهاجرت ایل قشقایی از نواحی شمال غربی و مرکزی ایران به خطه فارس یک‌باره و هم‌زمان صورت نگرفته است. گروه‌های مختلف قشقایی در زمان‌های مختلف و از اماکن مختلفی به فارس کوچیده و ایل قشقایی را بنیاد نهاده‌اند. از این رو، نمی‌توان تمامی اجزا و عناصر اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی امروزی را دارای اصل و ریشه مشترک دانست و نتیجه گرفت که ایل در زمان معینی و از مکان مشخص (خواه قفقاز، ترکمنستان و خواه آسیای صغیر و افغانستان) با یک ساخت فرهنگی مشخص و یک‌پارچه به ایران و فارس آمده باشد (صولت قشقایی، ۱۳۶۶: ۱۲).

هویت مشخص و مستقل ایل قشقایی از اواخر صفویه قابل شناسایی است. اما از اوایل سلطنت قاجاریه این ایل به تدریج نقش مهمی در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران ایفا کرد. در منابع پیش از دوره قاجار از ایل قشقایی به عنوان یک اتحادیه ایلی منسجم و قوی، که در تحولات کشوری و منطقه‌ای تأثیرگذار باشد، یاد نمی‌شود. البته نام قشقایی و برخی شخصیت‌های سرشناس آن در منابع آخر دوره تیموری، صفوی، افشار، و زند به چشم می‌خورد. قدیمی‌ترین منبعی که در آن به نام «قشقایی» برمی‌خوریم جامع‌التواریخ در احوال بازماندگان تیموری اثر تاج‌الدین حسن شهاب یزدی است (شهاب یزدی، بی‌تا: ۷۳).

برخی ادعا دارند «نام ایل قشقایی از زمانی به عنوان یک واحد سیاسی، اجتماعی و یک نیروی متحد وارد تاریخ می‌شود که امیر قاضی شاهیلو قشقایی (که او را معاصر شاه اسماعیل صفوی می‌دانند) گروه‌های متعددی از ترکان را در ایل خود جمع کرده و بر آنان ریاست می‌نماید و وی اولین ایلخانی قشقایی می‌باشد که نامش در تاریخ ثبت شده است» (قهرمانی ابیوردی، ۱۳۷۳: ۲۴؛ پیمان، ۱۳۷۴: ۱۰) و یا این‌که «کریم خان زند به اولین ایلخانی قشقایی، جانی آقا، فرمان ایلخانی‌گری اعطا کرد» (کیانی، ۱۳۸۵: ۴۹). لیکن منابع این ادعاها را تأیید نمی‌کنند.

خانواده «شاهیلو» منصب ایلخانی و ایل‌بگی قشقایی را به طور موروثی در اختیار داشته است، اما در منابع پیش از زندیه به طور مشخص ذکری از آن به میان نیامده است. بنا به روایت خانوادگی شاه اسماعیل یا شاه صفوی دیگری یکی دو تن از اجداد آنان را در مقام حاکم فارس و نیز کمک به جلوگیری از اشغال منطقه به دست پرتغالی‌ها به فارس فرستاد. یا این‌که جان محمد آقا (جانی آقا) که گفته می‌شود شش نسل بعد از امیر قاضی شاهیلو می‌زیسته است، بنیان‌گذار اتحادیه ایل قشقایی است، اما فقط با اسماعیل

خان و حسن خان، فرزندان جانی آقا، است که مدارک مستند دقیق از این خانواده آشکار می‌شود (Beck, 1986: 46-47). در تاریخ خاندانی به نام‌های خطاب به کریم خان زند از طرف محمد اسماعیل خان قشقایی (فرزند جانی آقا) و چند نفر دیگر اشاره می‌شود که خود را به عنوان وارث و خویشاوندان «جانی قشقایی» معرفی کرده‌اند و از کریم خان درخواست دارند به آنان اجازه داده شود از تبعید خراسان به سرزمین‌های اصلی خود در منطقه وردشت و سمیرم بازگردند و کریم خان نیز در ظهرنامه ضمن تأیید این امر، املاک مذکور را به قشقایی‌ها متعلق دانسته است (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۳۷). اندکی بعد از این، کریم خان زند به اسماعیل خان لقب ایل‌بیگی کهگیلویه و مملکت فارس و دارالسلطنه اصفهان داد (Beck, 1986: 49). اسماعیل خان در دربار کریم خان فردی بسیار محترم و متنفذ بود (آصف، ۱۳۵۲: ۳۳۸). با سقوط زنده، آقا محمد خان قاجار با اتکا به نیروی نظامی ایلات وفادار به خود دست به سرکوب رؤسای ایلات نافرمان زد و بسیاری از قبایل و ایلاتی که از نواحی غربی توسط شاهان زند به فارس آورده شده بودند پراکنده کرد. آقا محمد خان هم‌چنین شمار زیادی از خانواده قشقایی را به اجبار به نواحی مرکزی و شمالی ایران کوچاند (تاپر، ۱۳۸۷: ۵۲۴). در این زمان از شخصیت‌های عمده خانواده شاهیلو، جانی خان قشقایی (فرزند اسماعیل خان) بود که آقا محمد خان او را به همراه خانواده و برخی قشقایی‌های دیگر به داخل کوه‌های بختیاری راند (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۳). با این حال در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار به دست حاجی میرزا رضاقلی نوایی، وزیر ایالت فارس، جانی خان قشقایی «ایل‌بیگی فارس را به لقب جلیل ایلخانی سرافراز نمود و محمدعلی خان، پسر او، را ایل‌بیگی نمود» (فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۱۲۳۴). ایلخانی‌گری جانی خان منحصر به ایل قشقایی نبود، بلکه ایلخانی کل فارس بود (قهرمانی ابیوردی، ۱۳۷۳: ۸۰). در واقع باید گفت شکل‌گیری ایل قشقایی در غالب یک اتحادیه ایلی منسجم و تحت ریاست متمرکز خانواده شاهیلو از دوره سلطنت فتحعلی شاه و با ایلخانی‌گری جانی خان آغاز می‌شود به طوری که امروزه در میان اهالی و سران ایل قشقایی جانی خان به عنوان بنیان‌گذار واقعی ایل قشقایی شناخته شده است.

#### ۴. ساخت سیاسی - اجتماعی ایل قشقایی

در میان قشقایی‌ها سه سطح سازمان‌بندی سیاسی و اجتماعی وجود داشت که عبارت بود از: تیره، طایفه، و ایل. یک تیره قشقایی کوچک‌ترین واحد سیاسی دارای رهبری رسمی بود

که با اتفاق نظر گروه انتخاب و به وسیله خوانین طایفه که تیره نیز به نوبه خود بخشی از آنان بود، در مقام خود تثبیت می‌شد. هر تیره مرکب از دو یا چند دودمان مدعی اصل و نسب مشترک بود. این دودمان‌ها را به ترتیب اوبا یا بیله (oba, beyle) و بنکو (bonku) می‌نامیدند. در واقع اوبا یا بیله به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی مجموعه‌ای از چند خانوار خویشاوند (و معمولاً هم‌تبار) سیاه چادر نشین بودند که در یک محل و تحت سرپرستی یکی از اعضای ریش سفید محترم خود زندگی می‌کردند. خانوارهای هر اوبا معمولاً بین ده تا سی چادر متغیر بودند و در بیلاق و قشلاق همسایگان بسیار نزدیک هم‌دیگر به شمار می‌آمدند. در ایل قشقایی به این واحد احشام (یا به لفظ محلی ایشوم) نیز می‌گفتند (آیت‌اللهی، ۱۳۷۵: ۵). بنکو نیز اجتماعی از چند خانوار بود که در منطقه‌ای محدود داخل مراتع خود مستقر می‌شدند (امیری، ۱۳۸۲: ۵۳۰). هر دو واحد اوبا و بنکو غالباً مشابه یک‌دیگر بودند و تقریباً به لحاظ بعد خانوارهای آن با هم متفاوت بودند، به همین دلیل برخی از پژوهش‌گران آن‌ها را یک واحد به حساب می‌آورند (ابرینگ، ۱۳۸۳: ۷). یک طایفه قشقایی از مجموعه تیره‌های زیادی تشکیل می‌شد که به وسیله یک نفر از خانواده خوانین، با لقب کلانتر، اداره می‌شد. تیره‌های تشکیل‌دهنده طایفه دارای خاستگاه‌های متفاوتی بودند و هویت مستقل گروه خود را در میان طایفه حفظ می‌کردند. طایفه نیز از طریق رهبری مشترک، مجاورت ارضی، و معیارهای فرهنگی خاص خود نوعی هویت مشخص به اعضای طایفه خود می‌بخشید. طایفه هم‌چنین به عنوان یک واحد پیوند زناشویی بسته نیز محسوب می‌شد و افرادی که مایل به ازدواج با اعضای تیره خود نبودند معمولاً با اعضای طایفه خود ازدواج می‌کردند. ایل نیز به عنوان بزرگ‌ترین واحد منسجم است که از مجموع تعدادی طایفه تشکیل می‌شود و زیر نظر یک ایلخان و ایل‌بیگی اداره می‌شود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۶۱). ایلخان طبق اصول وراثت انتخاب می‌شد (ورهرام، ۱۳۶۷: ۱۳۰).

## ۵. خانواده در ایل قشقایی

### ۱.۵ اهمیت نظام خانواده

نظام ایل قشقایی بیش‌تر بر خانواده‌ها و اصالت آنان تکیه داشت. خانواده در بین کوچ‌نشینان کوچک‌ترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی است که اعضای آن زیر نظر یک سرپرست، که معمولاً یک مرد است، فعالیت می‌کنند. به طور کلی اعضای یک خانواده

که زیر یک چادر زندگی می‌کنند از نظر اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند و رابطه بین آن‌ها بر پایه خویشاوندی نسبی و سببی استوار است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۲۹). نهاد خانواده بسیار تأثیرگذار و منتقل‌کننده ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است.

تشکیل خانواده در بین ایل قشقایی و داشتن فرزندان شایسته و به‌خصوص اولاد ذکور برای آن‌ها اهمیت زیادی دارد؛ زیرا فرزندان از لحاظ اقتصادی به منزله یک نیروی انسانی نقشی بزرگ دارند و از نظر سیاسی و نظامی خانواده‌ای که چند پسر داشته باشد نیروی قدرتمندی در برابر مخالفان دارد. پسر در ایل قشقایی مقام و مرتبتی بالاتر از دختر دارد. قشقایی‌ها معتقدند اولاد ذکور عامل بقای انسان‌اند و فرزند دختر متعلق به دیگران است، اما پسر اولاد پدر و مادر است. نود درصد ازدواج‌های دوم در ایل فقط به جهت داشتن اولاد یا اولاد ذکور است (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۵-۲۷۷).

چون روابط جنسی در ایل با غیر از زن مشروعه عملی زشت و ننگین و گناهی بزرگ به شمار می‌آید، مردم ایل وظیفه شرعی خود می‌دانند که تن به ازدواج دهند. به همین دلیل فحشا در عشایر تقریباً به طور مطلق ناشناخته است و متجاوزان به مجازات مرگ می‌رسند که بدتر از قتل محسوب می‌شود (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

در ایل چه پسر و چه دختر، در خانه پدر، اختیارا نشان محدود است و استقلال فکری و عملی کمی دارند؛ اما با تشکیل خانواده پایگاه جدید برای آن‌ها استقلال به وجود می‌آورد. زندگی کوچ‌نشینی طوری است که مرد نمی‌تواند تنها زندگی کند. غذا پختن، تهیه نان، دوشیدن دام، و مهمان‌داری همه از کارهای زنان است.

از دیگر موارد تأثیرگذار در تشکیل خانواده، اعتقاد به حفظ دودمان (روشن ماندن اجاق خانواده) است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۰۲-۱۰۵).

## ۲.۵ ازدواج

در ایلات و عشایر ازدواج صرفاً پیوند دو فرد نیست، بلکه پیوند دو گروه اجتماعی است. در گذشته رضایت و موافقت خان یا کلانتر در ازدواج دختران و پسران لازم بود. ازدواج از دیدگاه جامعه ایلی واجب و لازم و مجرد بودن گناه است. ازدواج فقط از طریق خواستگاری و اراده پدر و مادر انجام می‌شود (همان: ۱۰۲). در میان ایل قشقایی داماد قبل از ازدواج با عروس ارتباط زیادی ندارد. دیدن و پسندیدن دختران ایلی در گذشته منحصر

به مجالس عروسی یا مهمانی‌ها و یا هنگام کوچ بوده است (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰، ۲۷۵). در ایل قشقایی، بر خلاف خانواده‌های سایر ایلات ایران، به سنت تک‌همسری وفادار بوده‌اند و به همین دلیل اعضای این خانواده‌ها همواره متحد بودند (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۲۶۸) و حتی ایلخانان هم با وجود قدرت و ثروت، از داشتن حرم‌سرا و حتی تعدد زوجات پرهیز می‌کردند (هولتوس، ۱۳۶۶: ۲۱۴). زنان بیوه در ایل قشقایی به‌ندرت ازدواج می‌کنند. این قاعده به‌ندرت نقض می‌شود و عمدتاً در مواردی است که پس از شوهر متوفی از او برادری مانده باشد که مایل به ازدواج با بیوه برادر متوفی خود باشد. با وجود این، در برخی از طوایف ایل قشقایی رسم ممنوعیت ازدواج زنان بیوه به‌شدت رعایت می‌شود (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

#### ۱.۲.۵ معیارهای انتخاب همسر و سن ازدواج

هر فردی با توجه به شرایط و گرایش‌های ذهنی خود ملاک‌هایی در انتخاب همسر دارد. جوانان ایل در انتخاب دختر به اصالت، نجابت، سلامت جسمانی، مهارت در خانه‌داری، و هنر بافندگی، که افتخاری بزرگ برای دختران محسوب می‌شود، توجه دارند. در امر ازدواج مسئله شخصیت خانوادگی را بیش از هر چیز در نظر می‌گیرند، زیرا سیستم طبقاتی ایل قشقایی بیش‌تر بر وراثت و اصالت خانواده تکیه دارد تا ثروت و مکتب. انتخاب همسر باید در همان طبقات خاص خود باشد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۰۶). از دیگر ویژگی‌های همسر مسئله مذهب است. دختری که انتخاب می‌کنند باید مسلمان و شیعه‌مذهب باشد (کیانی، ۱۳۷۶: ۳۳۷). از اهداف سیاسی در ازدواج میان رهبران ایلات و طوایف با یک‌دیگر می‌توان به کسب حمایت طوایف دیگر، تحکیم همبستگی، و کسب موقعیت ممتازتر اجتماعی اشاره کرد. جانی خان، ایلخان قشقایی، با برقراری پیوندهای زناشویی با سران دیگر طوایف توانست اتحاد آنان را به خود جلب کند. پس از مرگ جانی خان در سال ۱۳۳۹ق «فرزندان او بر حسب فرمان حسینعلی میرزا فرمان‌فرمای فارس مکتبی تمام به دست آوردند» (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۸۳). پسر ارشد جانی خان، محمدعلی خان قشقایی، به لقب ایلخانی سرافراز و در سال ۱۲۴۱ق به دامادی شاهزاده حسینعلی میرزا، فرمان‌روای فارس «قرین افتخار گشته، دختر خجسته اختر نواب معزی الیه را در عقد ازدواج خود درآورد» (فسایی، ۱۳۶۷: ۱/۲). این پیوند زناشویی بین ایلخانی و فرمان‌روای فارس در نفوذ ایلخان در ایلات فارس بسیار تأثیرگذار گذاشت. خوانین بختیاری نیز با اهداف سیاسی با خاندان ایلخانی قشقایی پیوند زناشویی بستند (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۶۸).

تفاوت سن زن و مرد ایلی تقریباً زیاد و گاهی هم تا ۲۰ سال یا بیشتر می‌رسد. در هر حال سن مرد همیشه بیش‌تر از زن است. ممکن است از بدو تولد دختری به نامزدی پسری طبق رسوم محلی «ناف‌بر» شود (همان: ۲۶۸). قشقایی‌ها به‌ندرت دختر زیر شانزده سال را شوهر می‌دهند (Garrod, 1946: 303).

### ۲.۲.۵ شیربها

باشلق (شیربها) یعنی پول یا اموالی که از طرف خانواده داماد به پدر عروس داده می‌شود و تا زمانی که خانواده‌های زوجین در مورد میزان آن توافق نکنند ازدواج صورت نمی‌گیرد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۰۷). شیربها به عنوان پدیده‌ای اجتماعی کارکردهایی دارد که در شکل‌گیری، تثبیت، و دوام خانواده عشایری نقش به‌سزایی دارد. از جمله کارکردهای شیربها جبران خلأ عزیمت دختر از خانواده پدر، ادای احترام داماد به عروس و خانواده او، و تهیه جهیزیه برای عروس است (طیبی، ۱۳۷۱: ۲۲۵). عواملی مانند: نوع ازدواج (شیربها در ازدواج درون‌همسری کم‌تر از برون‌همسری است)، وضع اقتصادی، منزلت اجتماعی خانواده دختر، سن، و زیبایی دختر در میزان شیربها مؤثر است. از دیگر عوامل این‌که، میزان شیربها میان اقوام پدری کم‌تر از اقوام مادری است. یکی از راه‌های جانشین نمودن شیربها کار رایگان داماد برای پدر زن و یا مبادله خواهران با یک‌دیگر (گاو به گاو) است (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۸-۲۷۹). گارود مقدار شیربها را بسته به وضعیت مالی داماد می‌داند و گزارش می‌دهد: دامادی که دارایی‌اش حدود سه هزار تومان برآورد می‌شود، باید هفتصد تومان باشلق دهد؛ آن‌که صاحب سی هزار تومان است، حدود سه هزار تومان و الی آخر، قرارداد ازدواج توافق شفاهی در حضور شاهدان است (Garrod, 1946: 303).

نوع اموالی که بابت باشلق می‌گیرند شامل وجه نقد، گوسفند، شتر، اسب و غیره است؛ اما امروزه بیش‌تر به صورت پول نقد پرداخت می‌شود. باشلق یا شیربها در اصل همان مهریه است که قبلاً گرفته می‌شود (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۸). در گذشته اگر شیربها می‌گرفتند در عقدنامه مهریه یا پشت‌قباله نوشته نمی‌شد، اما امروزه باشلق و مهریه هر دو گرفته می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۶۸: ۲/۶۳۸).

### ۳.۲.۵ مراسم ازدواج

عادات و آداب مردم و فرهنگ و تمدن آن‌ها ارتباطی تنگاتنگ با نظام خانوادگی آن‌ها



دارد و انسان‌هایی که در بستر هر جامعه با رفتار، گفتار، افکار، روحیه، و ذوق و هنر خود فرهنگ‌های مختلفی را پدید می‌آورند، قبل از هر چیز، خود عضوی از نهاد خانواده هستند و منش و بینش آن‌ها تا حدودی برگرفته از کانون خانوادگی آن‌هاست.

در خواستگاری ایل قشقایی افرادی به نام «سوجه» حضور دارند. سوجه فرد یا افرادی دارای شخصیت بارز، شناخته‌شده، و مورد احترام همه افراد جامعه ایلی و گاه از طبقه کلانتران، خوانین، و ریش‌سفیدانند که بنا به دعوت خانواده پسر، با اطلاع قبلی، این افراد را، که کلامشان مؤثر خواهد بود و خانواده دختر به درخواست آن‌ها پاسخ منفی نخواهند داد، به منزل پدر دختر می‌فرستند. در حقیقت این امر به حکم عرف و عادت انجام می‌گیرد و وقتی جواب مثبت شنیدند خانواده پسر خود را برای مراسم دیگری که شال و انگشتری نام دارد آماده می‌کنند.

در مراسم شال و انگشتری چند نفر از زنان فامیل هدایایی را، که معمولاً قطعه‌ای طلا یا چند قواره پارچه لباس است، در جامه‌دان یا بقچه‌ای می‌گذارند و در یک روز تعیین شده به خانه دختر می‌برند. مادر دختر هم در آن روز تعدادی از فامیل نزدیک خود را دعوت می‌کند و هنگام تحویل هدیه به منظور مبارک‌باد با صرف شیرینی و کل‌زدن زن‌ها مجلس خاتمه می‌یابد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۱۳-۱۱۷).

در مراسم عروسی سوارکارانی به نام «اخچی» را به اطراف می‌فرستند تا میهمانان را دعوت کنند. جشن عروسی از سه روز تا دو هفته طول می‌کشد. پس از صرف غذا، کاروانی شامل سیصد سوار برای آوردن عروس به راه می‌افتند. عروس را بر اسب سفیدی می‌نشانند و سه بار به دور چادر خانواده‌اش برای خوشبخت شدن می‌چرخانند. بر اساس رسوم قشقایی عروس را تنها سوار اسب نمی‌کنند، بلکه پسربچه‌ای را پشت سرش می‌نشانند، به این امید که فرزند اولش پسر باشد. چادر داماد را به همین مناسبت با فرش و جاجیم و نمادهای روشنی و خوشبختی، کاسه‌ای آب، و یک آینه تزئین می‌کنند. همین که عروس به نزدیکی چادر داماد رسید، او برای دیدن عروسش بیرون می‌آید. در عروسی‌ها بیش‌تر مخارج بر عهده داماد است (ترز، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۸). عروسی بدون مراسم جشن (ساز و دهل) را عروسی کورکش یا کور می‌نامند و آن را موهن می‌شمرند. دختران ایل پس از دواج نیز بیش‌تر همان تعصب و علاقه شدید خود را به خانواده پدر حفظ می‌کنند و اغلب در صورت وقوع منازعه و جنگ بین خانواده پدر و همسر، پدر و برادر را بر شوهر برتری می‌دهند (بهمن بیگی، ۱۳۲۴: ۱۵، ۷۳).

## ۴.۲.۵ انواع ازدواج و ابعاد اجتماعی آن

### ۱.۴.۲.۵ ازدواج طبقاتی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در امر ازدواج، ازدواج طبقاتی است؛ چون هر گروه بایستی اجباراً از طبقه خاص خود زن بگیرند. بنابراین در ایل قشقایی دخترانشان را به طبقات دیگر نمی‌دهند. مثلاً دختران ایلخان قشقایی حتی به مهم‌ترین و بانفوذترین کلانترها شوهر داده نمی‌شوند و دختران کلانتر به نوبه خود به کدخداهای شوهر داده نمی‌شوند و به همین دلیل دختران طبقات بالا در ایل قشقایی عموماً نمی‌توانند شوهر کنند. ازدواج پسران طبقات بالا با دختران طبقات پایین نیز بسیار مشکل است و والدین و خویشان راضی نمی‌شوند و این کار را برای خویش مایه ننگ می‌دانند و نسبت به جوانانی که بر خلاف میل خانواده با دخترانی از طبقات پایین ازدواج کنند با تحقیر رفتار می‌کنند و گاهی حتی از خانواده طردشان می‌کنند (ایوانف، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۷۹). طبقات عادی طوایف هم با گروه‌های کاسب وصلت نمی‌کنند و این طبقات را هم‌شان خود نمی‌دانند (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

### ۲.۴.۲.۵ ازدواج درون‌گروهی

بیش‌تر ازدواج‌ها در ایل قشقایی درون‌فامیلی است. از عوامل ارجحیت ازدواج درون‌گروهی بر برون‌گروهی، تمایل به حفظ اسرار خانوادگی، حفظ ثروت و اموال، و جلوگیری از خروج آن از فامیل است و فرد فامیل وصله تن تصور می‌شود. ازدواج با بیگانه موجب می‌شود تا مقداری از ثروت و قدرت خانواده به بیرون از گروه منتقل شود. آشنایی کامل به روحیات و زندگی یک‌دیگر در بین اعضای یک فامیل، صمیمیت و هماهنگی و بالاتر از آن تعصب فامیلی نیز از عواملی است که ازدواج درون‌گروهی ترجیح داده می‌شود (نوذری، ۱۳۷۶: ۹۶).

### ۳.۴.۲.۵ ازدواج برون‌گروهی

این ازدواج بیش‌تر به دلیل هدف‌های سیاسی و اقتصادی انجام می‌شود. مردم ایل برای داشتن قدرت زیاد سعی می‌کنند از دیگر طوایف زن بگیرند و یا به طایفه‌ای دیگر دختر بدهند تا پشتیبان آن‌ها باشند. نظر به این‌که ایل قشقایی قدرتی متحد و کارآمد بود و در صحنه حوادث سیاسی جنوب ایران نقشی اساسی داشت، خاندان قوام‌الملک به دنبال برقراری ارتباط حسنه با سران آن ایل از طریق پیوندهای زناشویی بودند و در سال ۱۳۰۲ ق حبیب‌الله خان (که بعدها قوام‌الملک چهارم شد) با دختر نصرالله خان ایل بیگی ازدواج کرد

(سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۲۴۸). از نظر نژادی هم اعتقاد مردم بر این است که اگر مرد دختری از خانواده دور با خصوصیات اخلاقی متفاوت انتخاب کند، فرزندان شجاع و جنگجو خواهند داشت. از نمونه آن ازدواج جانی خان، اولین ایلخانی رسمی قشقایی، با نازلی بی‌بی، دختر حسین آقا کلهر از خوانین کشکولی است که صاحب فرزندان بسیار لایق و رشید شدند که هر کدام در شجاعت و رشادت نابغه عصر خود بودند (قهرمان ایبوردی، ۱۳۷۳: ۸۱). این ازدواج خوش‌یمن، ایلخانی‌های بعدی قشقایی را نیز ترغیب به ازدواج با خانواده خوانین کشکولی کرد؛ به گونه‌ای که «در میان ایل قشقایی یک اصل مسلم خانوادگی شده است که بی‌بی بزرگ، که زن ایلخانی است، باید از طایفه خوانین کشکولی باشد و اگر غیر از این باشد آن آبرو و اعتبار و اهمیت ایلی را ندارد و رگ مادری فرزندان ایلخانی ضعیف و کم‌خون می‌شود» (روزنامه استخر، ۱۳۲۷: ۴).

#### ۴.۴.۲.۵ ازدواج خون‌بها

نوعی ازدواج اجباری است که به جهت حیثیت و مصونیت جانی و موقعیت اجتماعی طوایف انجام می‌شود. گاهی بر اثر اختلاف شدید و درگیری، که موجب مقتول شدن فردی می‌شود، برای این‌که زد و خورد ها تکرار نشود و تعداد مقتولان افزایش نیابد، با واسطه عده‌ای از سران ایل، دختری از خانواده قاتل را با انتخاب خانواده مقتول به عنوان خون‌بها به یکی از جوانان خانواده مقتول، که معمولاً برادر یا پسر اوست، می‌دهند تا صلح و آرامش در میان خانواده‌ها برقرار شود. ازدواج خون‌بها در طبقات بالای اجتماع ایلی کم‌تر دیده می‌شود، زیرا قتل‌ها و درگیری‌ها با گذشت و بزرگ‌مردی‌ها و یا با جبران خسارت مادی به پایان می‌رسد و اجازه نمی‌دهند به مسئله ازدواج اجباری برسند.

اما مسئله مهمی که در گرفتن خون‌بها همیشه با مشکلاتی مواجه بوده است، اختلاف طبقات بین خانواده قاتل و مقتول است؛ زیرا اگر قاتل از بزرگان و کدخدایان باشد و خانواده مقتول که، از افراد عادی ایل است، حاضر به صلح بدون خون‌بها نشود و بخواهد فقط انتقام بگیرد برای کدخدا اگرچه این کار حقارت است اما باید تسلیم شود (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۲-۲۷۴) که دخترش را به برجسته‌ترین و بانفوذترین مرد خانواده مقتول شوهر دهد. اما اگر قاتل و مقتول از طبقه واحدی باشند یا اختلاف طبقاتی‌شان ناچیز باشد، روش دیگری به منظور رفع خون‌خواهی رواج دارد و آن عقد دختری از خانواده قاتل با برادر مقتول، پسر، یا قوم و خویش نزدیک اوست. این روش رفع خون‌خواهی «وصلت» نام دارد که به معنی پیوند و قوم و خویش شدن است (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

### ۳.۵ کارکردهای خانواده

خانواده در ایلات و عشایر کارکردهایی دارد که مطالعه آنها از دیدگاه جامعه‌شناسی اهمیت خاصی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

**تولید مثل:** فرزندآوری و بزرگ کردن فرزند یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه خانواده عشایری است. جامعه عشایری به داشتن فرزندان زیاد رغبت دارند و چندان توجهی به کنترل موالید ندارند که هدف و کارکرد عملی آن جانشین کردن اعضای جامعه و استمرار نسل از طریق زاد و ولد طبیعی است. مردم ایلات معتقدند هر کودکی که به دنیا می‌آید یک دهان برای خوردن دارد، ولی دو بازوی آهنین و یک مغز متفکر و پولادین برای تولید. ایلاتی‌ها هر فرزند را یک بازوی توانا برای پدر و کمک به امرار معاش می‌دانند (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۱۰).

**جامعه‌پذیری و هویت اجتماعی:** خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. در جامعه عشایری به دلیل نبود مؤسسات اجتماعی، اجتماعی کردن بیش‌تر از طرف خانواده صورت می‌گیرد و پایگاه فرد مبتنی بر پایگاه اجتماعی خانواده اوست و فرد هویت اجتماعی خود را از خانواده کسب می‌کند. در این ساختار پدرسالاری فرزندان از پدر نسب می‌برند و در پیوند با پدر هویت اجتماعی می‌یابند و عضو دودمان، تیره، یا طایفه پدر شناخته می‌شوند.

**اخلاقی و مذهبی:** ارزش‌های اخلاقی در تثبیت و دوام جامعه ایلی نقش مؤثری دارند. به دلیل نبود سازمان‌ها و نهادهای مذهبی در عشایر، خانواده ایلی عامل القای این ارزش‌هاست و کار آموزش دینی افراد را انجام می‌دهد.

**عاطفی و حمایت و مراقبت از اعضا:** فقدان بیماری‌های روحی و روانی در میان عشایر ناشی از قوت کارکرد عاطفی خانواده است. خانواده در هر جامعه مأمونی برای اعضای خود است و این امر در خانواده عشایری با وضوح بیش‌تری مشاهده می‌شود؛ زیرا در این جامعه خانواده به عنوان درون‌گروهی در مقابل تجاوزات و تهدیدهای برون‌گروهی دیگر عمل می‌کند. خانواده در زمینه‌های روانی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی، و جانی اعضای خود را حمایت می‌کند.

**تنظیم روابط جنسی:** عشایر هر گونه روابط جنسی خارج از خانواده را ممنوع می‌دانند. بنابراین تنظیم روابط جنسی و مشروعیت بخشیدن به تمایلات جنسی از جانب خانواده صورت می‌گیرد.

**اقتصادی:** خانواده عشایری یک واحد تولید و مصرف است که قسمت اعظم تولیدش را خود مصرف می‌کند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۳۸-۱۴۰).

#### ۴.۵ انواع خانواده

نظام خانوادگی بر دو نوع است: خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده (بهنام، ۱۳۸۳: ۲۵). خانواده هسته‌ای از زن و شوهر و احتمالاً فرزند یا فرزندان تشکیل می‌شود. این خانواده معمولاً جدا از والدین یا اقوام زوجین زندگی می‌کند. تصمیمات اساسی آن از طریق تبادل نظر بین اعضا اتخاذ می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۲۰). خانواده گسترده معمولاً بر اساس نظام پدرسالاری اداره می‌شود، که از پدر، مادر، فرزندان، و نوادگان تشکیل شده است و چند نسل و چه بسا بستگان نسبی و سببی دورتر را در بر می‌گیرد (طیبی، ۱۳۷۱: ۲۰۲). تصمیم‌گیری در این نوع خانواده بر عهده سال‌خوردگان است و سایر اعضا مجبورند از آن‌ها اطاعت کنند (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۰: ۳۶۹).

در ایل قشقایی هر دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده دیده می‌شود، اما اکثریت با خانواده گسترده است که ناشی از زندگی نسل‌های متوالی در کنار هم بوده است نه حاصل تعدد زوجات (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۳). در محیط ایلی به دلیل دفاع از چراگاه‌ها و دام‌ها، اعضای یک دودمان و قبیله ناگزیرند به صورت یک واحد نظامی با هم متحد شوند. خروج از قبیله باعث ضعف قبیله و دودمان می‌شود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۲۳).

#### ۵.۵ روابط خانوادگی و خویشاوندی

در خانواده عشایری توزیع قدرت به صورت عمودی است و پدر در رأس قرار دارد که تقریباً همه تصمیمات مربوط به خانواده بر عهده اوست. در جامعه ایلی، کمی امنیت، عوامل نامساعد طبیعی، ضرورت‌های تولید مبتنی بر کوچ و دشواری‌های ناشی از آن، و اتکای این نوع زندگی به قدرت جسمانی مردان، پدرسروری و پدرسالاری را ضروری می‌سازد و در نتیجه پدر نه فقط عامل تفاهم و انسجام در خانواده است، بلکه اعضای خانواده را نیز تحت اقتدار خویش درمی‌آورد.

زنان قشقایی نیز پدرسالاری را اساسی‌ترین سازمان جامعه خود می‌دانند (همان: ۲۹۵) و در عین تابعیت از شوهر، نقشی کلیدی در امور خانواده دارند. ایوانف در این زمینه می‌نویسد: «هیچ کجا در کشورهای مسلمان زنان به قدر قشقایی‌ها در خانواده و در زندگی

طایفه چنین موقعیت مهم و معتبری ندارند» (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۹). زن در جامعه ایلی اگرچه به ظاهر خانه‌دار و زیر سلطه مردان است، اما در این چهارچوب نظام سنتی محصور با عنوان مونس، مشاور، مادر، و مربی بر خانواده حاکم است. زنان، به‌خصوص در طبقات بالای ایل، در مسائل سیاسی و اجتماعی نقش دارند. تدبیر، فداکاری، و کاردانی زنان ایل گاهی موجب جلوگیری از جنگ میان دو طایفه و نجات خانواده‌ها می‌شود. فرزندان نیز به نوبه خود از والدین اطاعت و فرمان‌برداری می‌کنند که حتی بعد از ازدواج هم ادامه دارد (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۲، ۳۰۱).

در جامعه ایلی نظام خویشاوندی بر رابطه میان گروه‌های نسبی و سببی استوار است و اصل پدرسالاری شکل غالب در ساختار خویشاوندی است. نظام خویشاوندی در جامعه ایلی وظیفه و نقش بسیار مهمی در همبستگی شاخه‌های ایلی با یک‌دیگر دارد و استواری و دوام آن انسجام و یکپارچگی سازمان اجتماعی ایل و استمرار و بقای آن را تضمین می‌کند. به همین دلیل، روحیه برابری، رفاقت، و برادری در میان قشقایی‌ها بسیار درخور توجه است. معمولاً افراد با افراد ایل خودشان ازدواج می‌کنند، در نتیجه تقریباً همه با هم خویشاوندند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۶۹). اغلب خانان نیز بر اساس همین رابطه خویشاوندی، نسبت به زنان ایل و رعایای خود تعصب و غیرت فوق‌العاده‌ای داشتند (رکن‌زاده، ۱۳۷۰: ۳۵۰).

## ۶.۵ ارث

در ایل قشقایی مردان فرمان‌روا و زنان فرمان‌بردارند؛ بنابراین از نظر ثروت، تملک زن و مرد مساوی نیست (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). در بیش‌تر مواقع تقسیم ارث بر اساس سنت نامکتوب و مبتنی بر عرف ایلی است. پدر در خانواده اقتدار بسیاری دارد و در نتیجه پسران صاحب اختیار و وارث اصلی اقتدار، اموال، و دارایی پدرند.

پسران اگر در سن بلوغ باشند معمولاً در زمان حیات پدر تقسیم ماترک را انجام می‌دهند و برای دختر عموماً بخشش آن به برادر پسندیده تلقی می‌شود، به‌ویژه اگر برادران چنین زنی افرادی شایسته و خود نیز دارای تمکن کافی باشند؛ زیرا تقسیم ارث در میان دختران توان اقتصادی خانواده و در نتیجه طایفه را، که بر نظام پدرسالاری استوار است، کاهش می‌دهد (نوذری، ۱۳۷۶: ۱۰۱). به همین دلیل، زنان قشقایی هیچ‌گاه به دنبال سهم‌الارث پدر نیستند و شوهر هم زینده نمی‌بیند که از مال و دارایی زن استفاده کند. با وجود این، در خانواده‌های ثروتمند که املاک پدر زیاد است پدران در زمان حیاتشان سهم دختر را جدا می‌کنند (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۹۸).

## ۷.۵ نقش زنان در اقتصاد خانواده

ایل قشقایی در اقتصاد استان فارس نقش عمده‌ای دارد. آن‌ها فراورده‌های لبنی و مواد مورد نیاز شهرها و روستاها را تولید می‌کنند (ابرینگ، ۱۳۸۳: ۹). قشقایی‌ها، که یکی از پیش‌رفته‌ترین قبایل فارس‌اند، بهترین فرش‌بافان به شمار می‌روند. فرش‌های این ایل را «ترکی شیرازی» می‌نامند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۵۴). «این قالی‌ها و قالیچه‌ها، که بر روی کارگاه‌های بافندگی متحرک و به صورت افقی بافته می‌شود، کار زنان و دختران جوانی است که به هنگام کوچ ایل، کارگاه را جمع و به هنگام اتراق آن را دار می‌کنند. تار و پود این قالی‌ها همیشه از پشم خالص است و کرک‌های آن جلوه خاصی دارد و بسیار براق است. این آثار هنری زیبا را زنان هنرمند، از نسل‌های پیشین خود به ارث برده‌اند» (Garrod, 1946: 39). ایل قشقایی بهترین فرش‌هایشان را در چادرهایشان نگه می‌دارند یا در عروسی و جشن‌ها هدیه می‌دهند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۵۴). هنر بافندگی نزد ایل قشقایی ارزش بسیاری دارد. «زنی که این چنین نقشه هنر بافت بیاورد سر به پایش جمله زر بافت» (دانشور، ۱۳۷۴: ۵۷).

زن در نظام ایلی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بدون او خانواده نمی‌تواند چرخش مطلوبی داشته باشد. ابرینگ درباره کار زنان و مردان می‌نویسد:

در بین قشقایی‌ها هم، مانند سایر ایلات، بیش‌تر زحمات بر دوش زنان است. زنان یک ساعت پیش از طلوع آفتاب بیدارند و تا نه شب مشغول کار هستند. این در حالی است که مردان دور بر هم نشسته‌اند و از هر دری سخن می‌گویند و قلیان می‌کشند. البته عدم فعالیت مردان هم هر از گاهی با فعالیت‌های خشنی مانند شکار، سرقت، یا تعقیب سارقین جبران می‌شود (ابرینگ، ۱۳۸۳: ۱۳).

ترز نیز می‌نویسد:

زنان فعال‌تر از مردان کار می‌کنند؛ یکی از وظایف زنان نظارت بر حمل و توزیع مواد غذایی در حین کوچ است و همراه مردان اسب‌سواری می‌کنند. نقش فعالی که زنان در زندگی ایلی دارند موجب شده با آنان به احترام رفتار شود و سخنان‌شان را گوش دهند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۷۱، ۱۷۸).

زنان و دختران ایل علاوه بر کار منزل و پختن غذا و بافتن قالی و گلیم، در سوارکاری و تیراندازی کم‌تر از مردان ایل قشقایی نیستند (دانشور، ۱۳۷۴: ۱۳۸). گارود گزارش می‌دهد:

افراد ایل قشقایی صفات ممتازی دارند؛ از جمله برخورداری از هنر. به گونه‌ای که حتی وسایل روزمره را به شکلی زیبا می‌سازند. پای‌بندی بسیار به زندگی خانوادگی که زنان

نقش عمده‌ای در آن دارند و سرانجام، با توجه به پیشرفت زیاد ایل در مقایسه با ایلات مجاور که کم‌تر قرین کامیابی بوده‌اند می‌توان اطمینان داشت که قشقایی‌ها به اوج تمدن چادرنشینی خواهند رسید (Garrod, 1946: 302).

## ۸.۵ طلاق

طلاق در بین کوچ‌نشینان عملی زشت و ناپسند تلقی می‌شود و افکار عمومی جامعه ایلی مردی را که اقدام به طلاق همسر نماید محکوم می‌کند. زیرا وجود زن دوام زندگی ایلی را تضمین می‌کند. مردی که زن خود را طلاق دهد در ازدواج مجدد دچار مشکلات فراوانی می‌شود (نوذری، ۱۳۷۶: ۹۷). ایوانف گزارش می‌دهد اگر در بین قشقایی‌ها مردی زنش را طلاق دهد، اقوام زن می‌توانند مرد را بدون مجازات بکشند، چرا که طلاق اهانت به خانواده زن مطلقه است (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۶). علاوه بر این، مهم‌ترین عامل کمبود طلاق در ایل، مخارج سنگین عروسی و شیربهای گران‌قیمت است که باعث شده نتوانند زن‌ها را به‌سادگی طلاق دهند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۲۶). اگر چه طلاق در ایلات و عشایر بسیار کم است، اما کاملاً منع نمی‌شود بلکه زن و مرد در مواردی می‌توانند از یک‌دیگر جدا شوند. این موارد برای مردان عبارت‌اند از: خیانت، عدم تمکین و بدرفتاری زن. زنان نیز در صورت وجود شرایطی می‌توانند از مردان طلاق بگیرند از جمله: بدرفتاری بیش از حد معمول شوهر، ضعف جنسی شوهر، و عدم توانایی مرد در رفع نیاز مادی خانواده (نوذری، ۱۳۷۶: ۹۹).

## ۶. نتیجه‌گیری

ایل قشقایی به عنوان یک نظام عشایری، با ساختاری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی دارای تاریخی کهن و نظام‌مند است که بر خانواده و اصالت آن تکیه می‌کند و بر اساس قواعد خود در جهت شرایط زندگی کوچ‌نشینی شکل گرفته است. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و هسته اصلی ایل قشقایی است که در حیات و بقا آن نقشی اساسی دارد. در خانواده مرد اقتدار ویژه‌ای دارد و تصمیم‌گیرنده نهایی است و زن نیز در عین تابعیت نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام ایلی دارد و بدون او امور خانواده نمی‌تواند چرخش مطلوبی داشته باشد. یکی از کارکردهای مهم خانواده تولید مثل است که فرزندان ذکور به علت نقش اقتصادی، نظامی، سیاسی، و حفظ نسل خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در ایل قشقایی نظام طبقاتی حاکم در امر ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کند.



ازدواج صرفاً پیوند دو فرد نیست، بلکه پیوند دو گروه اجتماعی است. خانواده به ظاهر مستقل است، اما تحت تسلط واحد وسیع‌تری مانند بنکو، تیره، و طایفه قرار دارد. از لحاظ ساختاری خانواده گسترده، تک‌همسر، پدرسالار، و درون‌همسر است که سنن تاریخی خود را در زمینه ازدواج و روابط بین اعضای خانواده به‌خوبی حفظ کرده است.

## منابع

- آصف، محمد هاشم (۱۳۵۲). *رستم‌التواریخ*، محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.
- آیت‌اللهی، سیدعلیرضا (۱۳۷۵). *ایالات و عشایر فارس*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ابرینگ، پی‌یر (۱۳۸۳). *کوچ‌نشینان قشقایی فارس*، فرهاد طیبی‌پور، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۳۸). *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران*، ج ۲، تهران: نسل دانش.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰). *کوچ‌نشینان در ایران*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امیری، رزاق (۱۳۸۲). *تاریخ و فرهنگ مردم فراسیند*، شیراز: نوید شیراز.
- ایوانف، میخائیل سرگی یویچ (۱۳۸۵). *عشایر جنوب (عشایر فارس)*، ترجمه کیوان پهلوان و معصومه راد، تهران: آرون.
- بهمن بیگی، محمد (۱۳۲۴). *عرف و عادت در عشایر فارس*، تهران: نوید.
- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۷۴). *توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- تاپر، ریچارد (۱۳۸۷). *سازمان اجتماعی ایلات و عشایر ایران (تاریخ کمبریج)*، ترجمه مرتضی ناقب‌فر، تهران: جامی.
- ترز، ماری (۱۳۷۶). *شهبازان کوهسار*، ترجمه محمد شهبازی، تهران: پیراسته.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- حسینی فسایی، حسن (۱۳۶۷). *فارس‌نامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- دانشور، نوذر (۱۳۷۴). *نسیم کوهساران قشقایی*، شیراز: چاپ‌خانه مصطفوی.
- رکن‌زاده (آدمیت)، محمدحسین (۱۳۷۰). *فارس و جنگ بین‌الملل*، تهران: اقبال.
- روزنامه استخر* (۱۳۲۷ ق). ش ۱۱۶۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سپهر، محمدتقی بن محمدعلی (۱۳۳۷). *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر (۱۳۶۲). *وقایع‌التغاقیه*، تهران: نوین.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مرکز.
- شهاب‌یزدی، تاج‌الدین حسن (بی‌تا). *جامع‌التواریخ*، بی‌جا: بی‌نا.

- صولت قشقایی، محمدناصر (۱۳۶۶). *سال‌های بحران، خاطرات روزانه محمدناصر قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۳*، تصحیح نصرالله حدادی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، تهران: دانشگاه تهران.
- عسکری خانقاه، اصغر و محمدشریف کمالی (۱۳۸۰). *انسان‌شناسی عمومی*، تهران: سمت.
- قهرمانی ایبوردی، مظفر (۱۳۷۳). *تاریخ وقایع عشایر فارس*، تهران: علمی.
- کیانی، منوچهر (۱۳۸۵). *تاریخ مبارزات مردم ایل قشقایی از صفویه تا پهلوی*، شیراز: کیان نشر.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۶). *سیه‌چادرها، شیراز: کیان نشر*.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده*، تهران: دانژه.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۷۶). *ایلات و کولی‌های استان مرکزی*، شیراز: نوید.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: چاپ‌خانه معین.
- هولتوس، شولتسه (۱۳۶۶). *سپیده‌دم در ایران*، ترجمه مهرداد اهری، تهران: نو.

Beck, Lois (1986). *The Qashqai of Iran*, New Haven: Yale University Press.

Garrod, Oliver (1946). "The Qashqai Tribe of Fars", *Journal of the Royal central Asian Society*, XXXIII.